یادداشت

توسعه تحول‌آفرین؛ از ایده تا عمل

ادامه از صفحه اول

نکته دوم برنامه عملیاتی فازبندی‌شده و واقعی بر پایه وضع موجود و تدوین مسیر حرکت برای رسیدن به تصویر آینده است که مستلزم شناخت دقیق از فضای رقابت منطقه‌ای، میزان دسترسی به زیرساخت‌های ضروری و هم‌زمانی شکل‌گیری پیوندهای پسین و پیشین زنجیره ارزش هر فعالیت است. در این برنامه عملیاتی پیش‌بینی تقدم و تأخرهای اجرائی و الزامات اجرائی و عملیاتی و شفاف‌سازی مأموریت‌ها و وظایف دستگاه‌های دارای مأموریت در منطقه با رویکرد هم‌افزا، نقش مهم و اساسی دارند که اهمیت این بخش را هم‌تراز وجود تصویر آینده روشن و شفاف می‌نماید. نکته سوم و نه کم‌اهمیت‌تر، مسئله بستر نهادی و فرایندی است که ریشه در حکمرانی سرزمین دارد و می‌توان با شیوه‌ها و مکانیسم‌های مقرراتی، مسئله جذب منابع بازار سرمایه و بخش خصوصی داخلی و خارجی را در آن حل کرد. همین‌طور در این بستر مسئله فرایندهای اخذ مجوز و شروع کسب‌وکار و مشوق‌های نه‌فقط از جنس تسهیلات و منابع بلکه از جنس سهولت کسب‌وکار و تضمین پایداری قوانین و حقوق صاحبان سرمایه و فعالان اقتصادی، باید به شیوه‌ای متفاوت از رویه‌های متعارف و جاری لحاظ شود.

این سه پارامتر اساسی یعنی خلق تصویر آینده شفاف و روشن، برنامه اجرائی و عملیاتی دقیق مبتنی بر واقعیت و بستر نهادی متمایز از بسترهای متعارف (که در سری یادداشت‌های بعدی به تفصیل به هرکدام پرداخته خواهد شد)، مستلزم یکپارچگی سیاست‌گذاری در مرکز بر پایه تصویر آینده خلق‌شده و راهبری و نظارت اجرائی و عملیاتی واحد در میدان، در بستر نهادی متمایز هستند و شوربختانه تجربه سال‌های اخیر نشان می‌دهد که گسست‌های بخشی و کارکرد تئوری امپراتوری‌ها به واسطه عدم شفافیت وظایف و مأموریت‌های دستگاه‌های متولی، نظام بوروکراسی فعلی کشور را در کوتاه‌مدت از پشتیبانی این سه‌گانه ناتوان کرده است. توسعه تحول‌آفرین به معنای تغییر کیفیت زندگی مردم و ارزش‌آفرینی ملی و بین‌المللی در یک برنامه زمانی مشخص با لحاظ پایداری، مستلزم پرداختن به این سه‌گانه در سازوکار اجرائی روشن و شفافی است. خوشبختانه پیاده‌سازی این سه‌گانه بستر قانونی لازم را در احکام دائمی برنامه‌های توسعه و همین‌طور برنامه هفتم توسعه دارد، اما بیش از هر چیزی نیازمند فهم صحیح و باور و اراده دولت برای ایجاد انسجام و یکپارچگی در یک ساختار حکمرانی با پشتیبانی سیاستی و ابزارهای اجرائی و نظارتی، در بستر نهادی متناسب با واقعیت‌های موجود و آینده مورد انتظار و پذیرش این مهم که توسعه با دستور و توسط دولت اتفاق نمی‌افتد و صرفا سیاست‌گذار بماند و فضا را برای مردم، سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی فراهم کند تا منشأ توسعه تحول‌آفرین در این سرزمین ارزشمند شود.

انتصاب اخیر آقای عبدالعلی‌زاده توسط رئیس‌جمهور به عنوان نماینده رئیس‌جمهور برای توسعه دریامحور، پیام روشن اراده یکپارچگی و انسجام ملی در یک امر توسعه‌ای حداقل برای شخص رئیس‌جمهور را دارد و می‌تواند سواحل مکران را هم شامل شود، مشروط بر اینکه سایر متولیان و نهادها و دستگاه‌های متولی به این موضوع باور پیدا کنند. نکته آن است که هنوز شروع نکرده‌ایم و رقبای منطقه سال‌هاست با حجم عظیم منابع و با مشارکت شرکای داخلی و خارجی با سرعت مزیت‌های رقابتی و فرصت حضور در بازارها را از ما می‌گیرند. امید که روزی از همین روزها باور کنیم تا فرصت حرکت فراهم شود.

وجدان معذب دولت‌ها

ادامه از صفحه اول

در دولت روحانی این نهاد تا حدودی به جایگاه واقعی‌اش دست پیدا کرد و توانست چهره‌ای متفاوت از ایران و ایرانیان به دنیا نشان بدهد؛ راهی که پیش‌تر در دولت اصلاحات گشوده شده بود و دنیا آمادگی باور به این جایگاه را داشت. درواقع می‌توان گفت این دو نهاد قبای دولت‌اند و طرفه اینکه در شرایط آشوبناک کنونی این دو نهاد می‌توانند چهره‌ای متفاوت از ایران به نمایش بگذارند. البته تبعات شرایط آشوبناک کنونی، وضعیت نه جنگ و نه صلح با اسرائیل باعث شده است وزارت امور خارجه ایران به جایگاه واقعی‌اش بازگردد و دیپلماسی از طریق این نهاد دنبال شود. در صورتی که همین شرایط می‌تواند بهانه‌ای به دست انحصارگران فرهنگی بدهد تا دوباره آن را به محاق ببرند و این اتفاق در وضعیت تعلیقی که در کار مدیران میانی این وزارتخانه وجود دارد، دور از انتظار نیست. نباید گذاشت شرایط نه جنگ نه صلح، هم جنگ هم صلح، مانع تغییرات جدی در این نهاد شود.

راز مانایی حافظ

ادامه از صفحه اول

... از نتایج دوران کمال و پختگی فکر و ذوق این شاعر آلمانی است، سراسر به ستایش کلام و اندیشه حافظ می‌پردازد و تأثیر شگرف شعر او را در جان و روان خویش بازگو می‌کند و در فرازی بلند می‌سراید:

«ای حافظ سخن تو چون ابدیت بزرگ است، زیرا آن را آغاز و انجامی نیست».

اما در نهایت، شاهد صادق ما زیباترین گواه آمد که دفتر روزگار، بقای او را در کلام سحرآمیزش رقم می‌زند:

حافظ سخن بگوی که بر عرصه جهان/ این نقش ماند از قلمت یادگار عمر

اما باید اذعان کرد که نه تربت او بلکه دیوان ماندگارش، همنشین دل‌ها و اندیشه‌های حقیقت‌جوی جهان شده است. زیارت اشعارش، شنیدن غزل‌هایش و قرائت پندها و اندرزهای بی‌بدیل او، از روز پیشین تا ایام پسین، رمز هستی و مانایی اوست.

آن نیست که حافظ را رندی بشد از خاطر/ کاین سابقه پیشین، تا روز پسین باشد

اینک در دومین فراز از این یادداشت کوتاه، گذری به رمز جاودانگی خواجه اهل راز داریم و البته بهترین و مطمئن‌ترین راه را از متن اشعار بلند او می‌جوییم. گرچه یافتن چنین رمز و رازی بس دشوار و مستلزم برخورداری از اهلیت‌های لازم و کسب شرایط و مقدمات کافی است و باز هم گرچه نشستن به تفسیر شاعر مشاریق عرفان و استغنا، حافظ گرامی و جستارگری در اندیشه ناب او و دست‌نیافتنی می‌نماید، اما باید با مدد از روح آن شوریده آسمانی و البته با امید و اعتماد در این مسیر گام نهاد.

در همین راستا گرچه خواجه شمس‌الدین محمد هویداشدن این راز را به مصلحت نمی‌داند و زیرکانه و هوشمندانه از جوار آن عبور می‌کند:

مصلحت نیست که از پرده برون افتد راز/ ور نه در محفل رندان خبری نیست که نیست

اما پس از آشنایی با این مقدمه رمزگشایی این مقام بلند را نیز به شعر رازآلوده غزل‌سرای بزرگ جهان می‌سپاریم تا ما را به سرچشمه فیض هدایت کند.

گفتم این جام جهان‌بین به تو کی داد حکیم؟/ گفت آن روز که این گنبد مینا می‌کرد

و این گونه از روزی بزرگ در آغاز آفرینش سخن می‌گوید. به راستی آن روز کدام است که در جای‌جای دیوان شاعر، همه اعصار و قرون با افتخار از آن یاد می‌شود:

حلقه پیر مغانم ز ازل در گوش است/ بر همانیم که بودیم و همان خواهد بود

زندگی منزه او و مبارزه آرام و مدامش با زهد ریایی و شورش متین او علیه نیرنگ و فریب و نامهربانی و استغنای روحی‌اش حکایت از پیوند هماره او با سرچشمه ازلی دارد.

حافظ مکن ملامت رندان که در ازل/ ما را خدا ز زهد ریا بی‌نیاز کرد

اینک این پرسش مهم را فراروی خویش می‌گسترانیم که جان‌مایه آن جرعه جامی که او را مدهوش ساخت، به او رندی آموخت و جان بی‌قرارش را با عشق آتشین و عالم‌سوز، همساز کرد، فرقانی جهان‌بین او را عطا فرمود و بهشت را جایگاه ابدی‌اش قرار داد، چه بود؟ و به راستی کدامین تحفه عسلین، دلش را سراپرده محبت دوست و سینه‌اش را لبریز از عشق و عرفان و ارادت یار ساخت و به او مقامی رفیع و منزلتی شایسته بخشید؟ حافظ که از خم‌خانه حکمت الهی سیراب شده است، در ترنم باد صبا، رمز مانایی خویش را درباره آن جام کهن چنین می‌گشاید:

خرم دل آن که همچو حافظ/ جامی ز می الست گیرد

اما زلال این جام بلورین، رمز نهفته دیگری نیز دارد تا دومین مصرع این بیت ازلی را به ترانه‌ای ابدی زینت بخشد و دیوان خواجه را آسمانی کند. او با کمال افتخار حنجره ملکوتی خود را به عطر زیباترین کلام ابدی یعنی پیام ماندگار وحی معطر می‌کند و چنین می‌سراید:

صبح‌خیزی و سلامت‌طلبی چون حافظ/ هرچه کردم همه از دولت قرآن کردم

اما عشق عارفانه او، هنگامی بر بال ملائک آسمانی به اوج می‌نشیند که آتش‌پوی و بی‌ادعا، حفظ قرآن کریم را فخر بلند زندگی خویش می‌داند و جان‌مایه بنیادین سرایش اشعار جاودانه‌اش را به آن نسبت می‌دهد:

عشقت رسد به فریاد ار خود بسان حافظ/ قرآن ز بر بخوانی با چارده روایت

بر این باور، بزرگ‌ترین و مستندترین سرمشق و عالی‌ترین سرچشمه سخن‌سرایی حافظ، تمسک او به کلام خداوندگار و قرآن و وحی قلمداد شده است و او با نوشیدن می الست در جام جهان‌بین الهی، جان خویش، پیوند ازلی خود را با کلام وحی در آمیخته تا کتاب شعرش در پیوند با آن به یک اثر جاویدان بدل شود.

در فراز پایانی باید راز مانایی حافظ را در جلوه‌های دیگری از شخصیت درخشان او جست‌وجو کرد که چگونه در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی رندانه و هوشمندانه حاکمان کج‌اندیش و متولیان حقیقت‌گریز جامعه را به چالش کشیده و مخاطب نقدهای راستین خود ساخته و نقاب ریا و تزویر را از چهره مدعیان دروغین دین برداشته تا حقایق را به گوش و هوش مردمان همه روزگاران برساند و راه و رسم مبارزه با جهل و ستم و ناراستی را ادیبانه و اخلاق‌گرایانه بیاموزد. او در گام نخست مبلغان آیین‌فروش را به بازار نقد آورده و زندگی آنان را چنین روایت می‌کند:

واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می‌کنند/ چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند

و سپس حاکم مستبد آن روزگار امیر مبارزالدین را که با تمسک به شکل‌گرایی دینی، خود را مدعی دین‌داری و اجرای مناسک و موازین شرعی معرفی می‌کند، به باد انتقاد گرفته و این‌گونه می‌سراید:

در میخانه ببستند خدایا مپسند/ که در خانه تزویر و ریا بگشایند

و آنگاه در پیامی ماندگار به همه عصرها و نسل‌ها هشدار می‌دهد که رسیدن به مدینه فاضله و نشستن بر کرسی حکومت و قدرت با روش‌های زورمندانه قرین و سازگار نیست. حافظ نگرش خود را در دستیابی به جامعه آرمانی، چنین بیان می‌کند:

ما ملک عافیت نه به لشکر گرفته‌ایم/ ما تخت سلطنت نه به بازو نهاده‌ایم

سرانجام حافظ به آنان که تشنه قدرت و شهرت هستند و رسیدن به قله‌های بلند جامعه را آرمان و آرزوی خود می‌دانند، مستقیما پند و اندرز می‌دهد که به پایان مسیر پُرخطر خود بیندیشند که:

شکوه تاج سلطانی که بیم جان در او درج است/ کلاهی دلکش است اما به ترک سر نمی‌ارزد

زینت‌بخش این یادداشت را با گرامیداشت روز ۲۰ مهرماه، یادروز حافظ، با سخنی از گوته به پایان می‌برم که خطاب به حافظ چنین می‌گوید:

«اگر روزی دنیا سر آمد، ای حافظ آسمانی، آرزو دارم که تنها با تو و کنار تو باشم زیرا این بزرگ‌ترین افتخار زندگی من و مایه حیات من است».

شکار مرغابی

ادامه از صفحه اول

مثلا حیوان شکارچی که در میان بوته‌های بلند صحرا و خلاف جهت وزش باد، خزیده به سوی شکار می‌رود، دارد به همان روش شکار پشه عمل می‌کند تا به نزدیک‌ترین فاصله ممکن از شکار برسد و ناگهان به سوی او یورش ببرد. یا ماهیگیری که طعمه‌ای بر سر قلاب می‌زند و آن را به درون آب می‌اندازد، از طمع ماهی برای رسیدن به غذایی در دسترس و بی‌زحمت بهره برده و او را فریب می‌دهد تا به قلاب بیفتد. اینها همه نشانه هوش شکارچی درباره شکار و ساده‌انگاری شکار درباره دامی است که برای او پهن شده؛ هرچه شکار هوشیارتر و ساده‌انگاری‌اش کمتر باشد، احتمال شکارشدنش هم پایین می‌آید.

برای خود من در بین تمام شکارها، جالب‌ترینش، شکار مرغابی است. در شکار مرغابی، شکارچی از حیله‌های ترکیبی بهره می‌برد و به عبارتی نه یک فریب، بلکه چند فریب را با هم به کار می‌گیرد. درست است که او مثلا تفنگی با خود به همراه دارد که با آن به سمت مرغابی شلیک می‌کند، اما غیر از آن، لباسی هم برای استتار می‌پوشد، در بین نیزار کنار رودخانه پنهان می‌شود، آلونکی از جنس نی می‌سازد و در آن پناه می‌گیرد، تعدادی عروسک مرغابی را هم روی رودخانه شناور می‌کند و نهایتا غیر از اینها، سوتی دارد که با آن صدای مرغای را تقلید می‌کند و با این کار که آخر فریب است، در ذهن مرغابی این خیال را ایجاد می‌کند که محیط کاملا امن است و مرغابی‌های دیگری هم در آنجا هستند و وقتی این عملیات ترکیبی فریب به نهایت رسید و مرغابی‌ها به محل مدنظر آمدند، شکارچی شلیک می‌کند و کار تمام می‌شود. نکته مهم در این میان آن است که هیچ‌وقت دیده نشده که شکارچی به صورت عیان و از همان ابتدا خود را بر شکار هویدا کند؛ هیچ‌وقت. به عبارتی آن کسی که فریب نمی‌دهد، شکارچی نیست و فریبکار، آشکار رفتار نمی‌کند، بلکه احساس امنیت در ما به وجود می‌آورد و ما به او اعتماد می‌کنیم.

در این ایام و پس از رخدادهایی که در اخبار بود، مثل ماجرای پیجرها و ترورها و حمله‌های متعدد صهیونیست‌ها، بسیار از موضوع نفوذ و جاسوسی گفته شد و شنیدیم. جاسوسی یک عملیات فریب است برای زدن ضربه نهایی و جاسوس و نفوذی قطعا کسی است که احساس اعتماد و امنیت در ما به وجود می‌آورد و چه احساس امنیتی بالاتر از آنکه همان رفتاری را بکنند که ما خوش‌مان می‌آید و مانند تقلید صدای مرغابی، همان را بگویند که ما دوست داریم بشنویم؟ به عبارتی، آنکه بیشتر از همه سخنانی می‌گوید و رفتاری می‌کند که خوشایند ماست، فریب‌کارتر است و آنکه به‌صراحت از ما انتقاد می‌کند و در روی ما می‌ایستد و حتی زبان به ناسزای علنی ما می‌گشاید و با ما خصومت می‌ورزد، قطعا قصدش فریب ما نیست. نه اینکه دشمن ما نباشد که شاید باشد، ولی شکارچی و فریبکار نیست؛ چراکه شکارچی هیچ‌وقت نیت و قصد و منظور خود را بر ما آشکار نمی‌کند و حتم بدانیم که در بین آنانی که علنی بر ما خرده می‌گیرند و نقد می‌کنند و زخم‌های ما را بر ما آشکار می‌کنند، شکارچی یافت نمی‌شود. شکارچی کسی است که سخنی می‌گوید و رفتاری می‌کند که ما را خوش بیاید. دشمنان واقعی‌مان را باید در بین همین‌ها بیابیم. آنهایی که سخنانی می‌گویند که ما دوست داریم بشنویم و هرکس که بلندتر چنین می‌گوید، احتمال اینکه فریبکارتر باشد، بیشتر است. به قول امام صادق(ع)، برادر تو کسی است که عیب تو را می‌گوید.

یادداشت

ناترازی و زمستان سخت

ادامه از صفحه ۴

همچنین، تمایل به حفظ استقلال انرژی و اعتماد به منابع داخلی نیز می‌تواند یکی از دلایل باشد که تاکنون به واردات سوخت جایگزین به صورت گسترده اقدام نکرده‌ایم و یک دلیل مهم این نگرانی فقدان استراتژی اطمینان‌بخش به علت عدم درک صحیح مسائل بین‌المللی و انفعال در دیپلماسی انرژی بوده است. واردات LNG و جایگزینی با گازوئیل و نفت کوره، علاوه بر کاهش انتشار دی‌اکسیدکربن و آثار مخرب زیست‌محیطی، منجر به افزایش سودآوری و بهره‌وری در صنعت برق، راندمان بالاتر نیروگاهی و حذف خاموشی‌ها می‌شود و این روش سال‌هاست در کشورهایی چون آمریکا، چین، ژاپن و کره جنوبی به کار برده می‌شود. در دیپلماسی انرژی مدرن، در دنیا پس از انرژی‌های تجدیدپذیر، تجارت برون‌مرزی LNG رو به افزایش است و امروزه متغیر اصلی زنجیره معادلات انرژی شده است. مراحل فرآوری LNG، شامل استخراج گاز طبیعی، مایع‌سازی، حمل‌ونقل دریایی، ذخیره‌سازی و تبدیل مجدد به گاز است. بنابراین فناوری تولید و انتقال گاز طبیعی مایع، پیشرفتی گران است اما نیاز امروز جامعه جهانی به‌خصوص ایران است که هزینه بالای آن باعث شده کشورها کمتر ریسک سرمایه‌گذاری در آن را بپذیرند. هزینه تولید و انتقال گاز طبیعی مایع نسبت به استخراج و انتقال نفت به طرز قابل توجهی بالاتر است. با این حال با پیشرفت‌هایی که در زمینه تولید و انتقال گاز طبیعی مایع صورت گرفته و به دلیل مزایای استفاده از گاز طبیعی، سهم LNG در بازار جهانی هرساله رشد دارد. جهان به کدام سمت است؟ مطابق گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، دنیای ۲۰۴۰ دنیایی است به شدت برقی و در تمام سناریوهای محتمل مصرف برق حداقل ۵۰ درصد رشد خواهد داشت و ۴۶ درصد این انرژی از مسیر انرژی‌های تجدیدپذیر خواهد بود که این نکته نیز می‌تواند به عنوان یک نقشه راه مهم پیش‌روی کشور باشد ولی در برنامه هفتم چنین رویکردی دیده نمی‌شود. اما فارغ از ضرورت‌های کلی برنامه‌ریزی بلندمدت، برای مدیریت بهتر بحران انرژی در زمستان، نیازمند بهبود کوتاه‌مدت زیرساخت‌های انرژی هستیم. توسعه روابط دیپلماتیک و اقتصادی با کشورهای همسایه و اتخاذ سیاست‌های مؤثر برای کاهش وابستگی به گاز طبیعی است. این اقدامات می‌تواند به کشور کمک کند تا با ناترازی گاز در زمستان به طور مؤثرتری مقابله کند. ضمن اینکه پروژه فشارافزایی ۲۰ میلیارد دلاری رهاشده توتال می‌توانست مشکلات کشور را بسیار کم کند. بنابراین وزارتخانه‌های نفت و نیرو اگر فکر اساسی و فوری نکنند برای فصل سرما، حدود ۲۵ هزار مگاوات نیروگاه در کشور به میزان ۱۲ روز بیشتر سوخت ندارند و مشکلات تابستان ۱۴۰۳ را این بار در زمستان شاهد خواهیم بود.

جدول ۴۸۸۶ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- بادمجانش آفت ندارد- رمانی از جوجو مویز، نویسنده انگلیسی- واحد چلوکباب ۲- قریه- الهه ماه و جنگل در اساطیر رومی- مقر سازمان بهداشت جهانی ۳- مقابل آشتی- حاصل بی‌احتیاطی راننده- پیامبر خوش‌صدا ۴- عابد نصرانی که از نبوت حضرت محمد(ص) در کودکی خبر داد- پارچه‌ها ۵- غذایی از گوشت چرخ‌کرده و سیب‌زمینی- درهم‌تنیدن- زبان مردم افغانستان ۶- بازار قدیمی و معروف میدان نقش جهان- دهقان ۷- نوعی لباس بچه- آماده‌کردن- قاعده ۸- میوه خوب- کاشف کهکشان راه شیری- خط عرضی که تعیین‌کننده عرض جغرافیایی است- یازده ۹- درنده جنگلی- برای اسیران خاک می‌خوانند- درونی ۱۰- پست الکترونیک- حقیقی و واقعی ۱۱- راه فرار- وسیله‌ای برای اندازه‌گیری زاویه- قشنگ ۱۲- قفل‌ساز- مدارک ۱۳- مفقود- نام‌ها- ایستگاه راه‌آهن ۱۴- کوچک‌ترین ذره عنصر- الگو- فرمانده اصحاب فیل ۱۵- نوشین، گوارا- شهری در استان کرمانشاه- ترمز چارپا

عمودی:

۱- الکتریسیته- کسب‌وکار- آستانه ۲- چیز ارزشمندی که به دیگری بخشیده شود- اسب تندرو- مقابل حاشیه ۳- فرد شاخص در یک گروه- نگاه مخفیانه ۴- پیش‌درآمد آشغال- بی‌همتا- تولیدکننده ۵- پوشاننده- صراف- آبزی عظیم‌الجثه ۶- شکیبا- گلیم زیر فرش- پیشوند فعل مضارع ۷- بالاپوش بلند مردان قدیم- استان- دیده‌بان ۸- پابند- شعور- غار بعثت- مجلس اعیان ۹- سوره سی‌وهفتم قرآن- مهلت‌دادن- معنی لغوی تیمور ۱۰- اشاره به دور- آبگوشت محلی قم- در بازار بورس معامله می‌شود ۱۱- پشیمان- دلاوری- گردنده ۱۲- طباخ- مشاور- تکرار حرف دوم ۱۳- محقق- موسیقی‌دان عصر ساسانی را می‌گفتند ۱۴- خودروی فرانسوی- نوعی پارچه با الیاف مصنوعی- بدون فکر قبلی و به‌طور ناگهانی ۱۵- منفعت‌طلب- سگ فضانورد شوروی- رمانی نوشته رضا امیرخانی

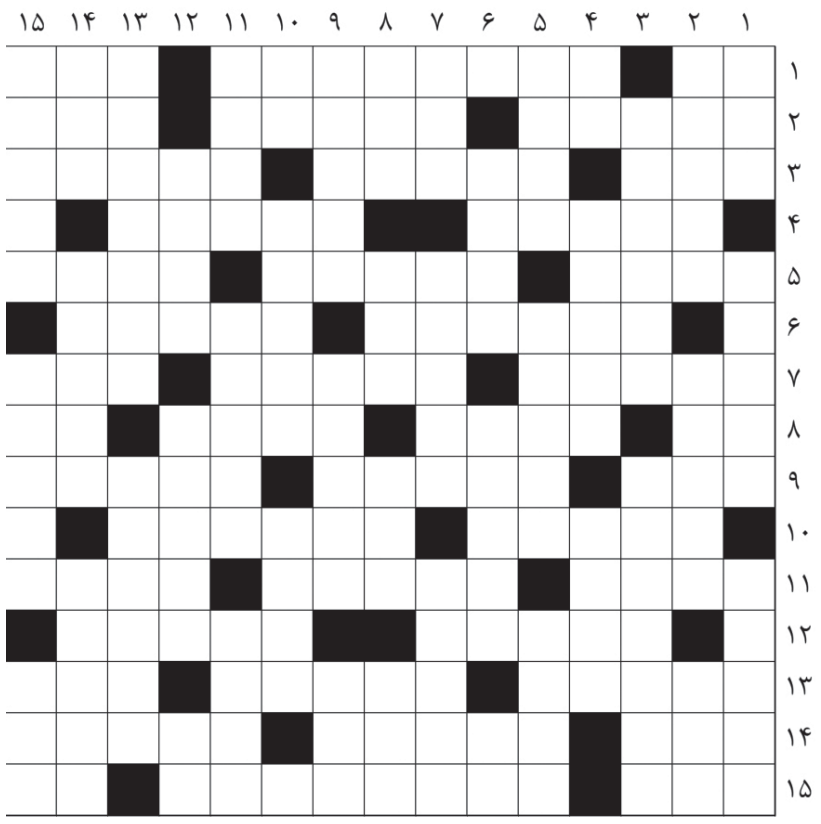

حل سودوکو ۳۸۸۱

۸	۲	۶	۵	۱	۳	۷	۴	۹
۳	۷	۵	۲	۴	۹	۸	۶	۱
۹	۴	۱	۸	۶	۷	۳	۵	۲
۵	۸	۴	۷	۳	۲	۱	۹	۶
۶	۳	۲	۱	۹	۴	۵	۸	۷
۱	۹	۷	۶	۵	۸	۲	۳	۴
۲	۵	۹	۴	۸	۱	۶	۷	۳
۷	۶	۳	۹	۲	۵	۴	۱	۸
۴	۱	۸	۳	۷	۶	۹	۲	۵

۶	۲	۱	۴	۳	۷	۸	۹	۵
۴	۷	۸	۵	۲	۹	۳	۱	۶
۹	۳	۵	۸	۱	۶	۲	۷	۴
۵	۱	۲	۹	۶	۸	۴	۳	۷
۳	۴	۶	۷	۵	۱	۹	۸	۲
۷	۸	۹	۲	۴	۳	۶	۵	۱
۱	۵	۴	۳	۹	۲	۷	۶	۸
۸	۶	۳	۱	۷	۴	۵	۲	۹
۲	۹	۷	۶	۸	۵	۱	۴	۳

حل جدول ۴۸۸۵

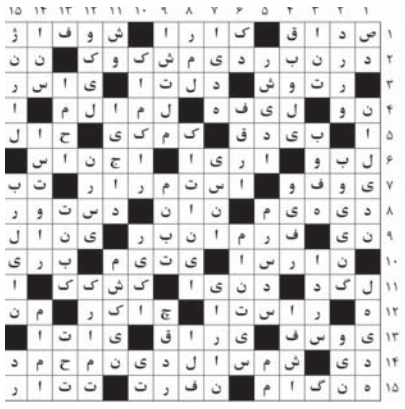

سودوکو سخت ۳۸۸۲

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

				۵	۲	۷		۴
	۷		۴		۶			۳
					۷		۵	
		۸				۲	۱	
	۵						۸	
	۱	۶				۹		
	۶		۹					
۳			۷		۱		۶	
۸		۹	۵	۶				

سودوکو ساده ۳۸۸۲

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

		۸	۶	۲	۷	۹		
	۲			۴			۶	۱
		۵		۸			۳	۲
						۳	۴	۹
	۴			۵			۲	
۲	۷	۳						
۶	۹			۳		۲		
۵	۸			۹			۱	
		۱	۲	۶	۵	۴		